رسول الله صلی الله علیه وسلم سر و صدایی جلوی خانه اش شنید.

از ام سلمة رضی الله عنها روایت است که روزی رسول الله صلی الله علیه وسلم سر و صدایی جلوی خانه اش شنید. پس بیرون رفت و به آنها گفت: «إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ، وَإِنَّما يَأْتِينِي الْخَصْمُ، فَلَعَلَّ بَعْضَكُمْ أَنْ يَكُونَ أَبْلَغَ مِنْ بَعْضٍ، فَأَحْسِبُ أَنَّهُ صَادِقٌ، فَأَقْضِي لَهُ، فَمَنْ قَضَيْتُ لَهُ بِحَقِّ مُسْلِمٍ، فَإِنَّمَا هِيَ قِطْعَةٌ مِنْ النَّارِ، فَلْيَحْمِلْهَا أَوْ يَذَرْهَا»: «من هم بشری هستم (مانند شما). هرگاه برای حل خصومتی نزد من می آیید، ممکن است یکی از شما از نطق قوی تری برخوردار باشد و من به گمان اینکه راست می گوید، به نفع او قضاوت کنم؛ بنابراین باید بدانید به هرکس (اینگونه) حق مسلمانی را بدهم، در واقع قطعه ای از آتش را به او داده ام؛ حال او می تواند این قطعه ی آتش را بردارد یا رهایش کند».

[صحیح است] [متفق علیه]

رسول الله صلی الله علیه وسلم در جلوی خانه اش صداهایی می شنود که به سبب اختلاف و مشاجره از طرفین دعوا بلند شده است؛ پس نزد آنها می رود تا در بین ایشان قضاوت کند؛ و می فرماید: «من نیز بشری همچون شما هستم؛ غیب نمی دانم؛ و از باطن و کنه امور آگاه نیستم تا ببینم چه کسی راستگو بوده و چه کسی از شما دروغ می گوید. دو طرف دعوا نزد من می آیند تا بین آنها قضاوت کنم و حکم و قضاوت من بر مبنای اظهارات و دلایل و شواهد و سوگندهای طرفین می باشد؛ چه بسا برخی از شما نطق قوی تری داشته باشد و فصیح تر و بهتر سخن گوید و دلایل خود را بیان کند و به این ترتیب گمان کنم راست می گوید و به نفع او قضاوت کنم؛ حال آنکه حق با طرف دیگر باشد؛ پس بدانید حکم من بر مبنای ظاهر امور است نه باطن آنها؛ و هیچ حرامی را حلال نمی گرداند؛ بنابراین اگر در مورد حق کسی به نفع دیگری قضاوت نمودم و آن دیگری می داند حق با او نیست، درواقع قطعه ای از آتش به او داده ام؛ اگر می خواهد آن را برای خود بردارد یا رهایش کند، اختیار با اوست؛ و مجازات آن متوجه او می باشد؛ و الله متعال در کمین ظالمان و ستمگران است.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/2959